

۱۱۶۳
۱۷۴۱۷

نقد نظریه انتخاب درباره امامت و رهبری

ابراهیم کوثری*

چکیده:

مسئله امامت از جمله مسائل اعتقادی است که اندیشه سیاسی اسلام در آن به طور کامل تبلور پیدا می‌کند و از دیر زمان تا امروز در 'گستره الهیات و معارف اسلامی برای دانشمندان زمینه تحقیق دارد. بنابراین سوال‌های اساسی مطرح در این خصوص از قبیل آیا امامت از اصول دین مسلمان‌ها یا شاخه‌ای از نبوت می‌باشد؟ تعیین امامت به عهده مردم است یا این که به واسطه نص تعیین می‌شود؟ محدوده رأی مردم در راستای تعیین رهبری با وجود نص و کیفیت تقدیم ادله تعیین امامت بر ادله شوری در امور اجتماعی مسلمان‌ها چگونه است؟

با وجود پرسش‌های موجود، نظریه انتخاب با چالش‌های فراروی آن در ترازوی نقد قرآنی و روایی براساس سیره اجتماعی رسول خدا از محورهای بحث بوده که نویسنده کوشیده تا با تکیه بر منابع اصیل، پاسخ مستدل به پرسش‌های فوق در این زمینه ارائه دهد. بنیادی‌ترین مسائل در این بحث عبارت است از: تعریف و تبیین مسأله طرح نظریه انتصاب و انتخاب بیان چالش‌های نظریه انتخاب و پیامد منقسی آن اثبات حقانیت نظریه انتخاب با شیوه علمی و مستند.

کلیدواژه:

امامت، رهبری، انتخاب، نظریه، مردم

* دانش یزوه دوره کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی گرایش کلام اسلامی - جامعه المصطفی قم العالیة
واحد مشهد مقدس.

از بنیادی‌ترین مسائل در حوزه اعتقادات برای مسلمان‌ها که از دیر زمان و تا امروز به دلایل اهمیت شان زمینه تحقیق دارد، مساله امامت و پیشوای مردم بعد از رسول خدا است. اما آنچه که قابل ذکر می‌باشد علاوه بر وجوه افتراق دو دیدگاه مخالف (شیعه و اهل سنت) در باب امامت، مشترکات زیاد میان این دو مکتب وجود دارد که می‌تواند در مسائل سیاسی، اخلاقی و اقتصادی، مسلمان‌ها را در مسیر واحد قرار دهد و در نزاعهای بین‌المللی آنها را متحد سازد. و برای حفظ وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در برابر دشمنان مشترک، بحث‌های جنجالی را برخی دانشمندان تحریم کرده‌اند و آن را خلاف مصالح امروز امت اسلامی می‌پندارند.

باید به این دسته از دانشمندان یادآور شد که بحث از نبض حیاتی‌ترین مساله اسلام، امامت با منطق خالی از تعصب نه تنها مضر به وحدت مسلمانان نیست بلکه باعث تقویت و همبستگی مسلمان‌ها خواهد بود. با کمال تأسف آنچه که امروز مسلمان‌ها را مشغول کرده‌اند تکفیر و حساسیت‌های بی دلیل بوده که آنها را علیه هم دیگر واداشته‌اند و در اثر تعصب تا امروز، منطق یک دیگر را نفهمیده، آب در آسیاب دشمن می‌ریزند.

البته از آنهایی که گفت و گو را تخریم کرده‌اند سوال خواهیم کرد؛ اگر گفتمان نباشد بخش عظیم آیات قرآنی و سنت رسول الله ﷺ را که دعوت به گفت و گو می‌کنند چه توجیه دارید و اگر آیات را نادیده بگیریم نتیجه آن مخفی ماندن حقایق برای دو طرف که مدعی حق هستند، خواهند بود. بنابراین آثار منفی که در اثر جهل مسلمان‌ها از منطق هم دیگر بر پیکر امت اسلامی وارد شده بیش از انعکاس منفی گفتمان‌های روشن‌گراانه است و از این رو چند نکته درباره حفظ همبستگی و تقریب امت اسلامی باید مورد نظر باشد.

اتحاد و انسجام اسلامی و پیروان مذاهب اسلامی فرع بر شناخت و قدر مشترک‌ها و شناسایی نقاط اختلاف و گفتمان حق‌گرایانه است که امت اسلامی باید این اهمیت را درک کنند و الا روز به روز به انهدام اعتقادی و سیاسی مبتلا می‌گردد.

وحدت مذاهب به معنی دست برداشتن از عقاید مسلم پیروان مذاهب نخواهد بود بلکه تاکید بر حقانیت و اصول بنیادین بر مبنای استراتژی واحد در مقابل دشمن مشترک و در یک جمله، مراد از اتحاد مذاهب اسلامی وحدت عملی پیروان مذاهب اسلامی است.

آیات قرآن و احادیث بر ضرورت گفت و گو با حفظ مسلمات میان مذاهب دعوت می‌کند که در این جا از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

«قُلْ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِبْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»

ترجمه: ای رسول، خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق مناظره کن.

اختلاف روی مسائل عقیدتی و فکری یا فروعات فقهی از لازمه یک نهضت پویا و متحرک علمی می‌باشد، اختصاص به مذهب شیعه و سنی ندارد. پیروان این دو مذهب (شیعه و سنی) اختلافات درون دینی دارند که با وجود همه این اختلافات فکری، در سایه چتر کلمه توحید، توحید کلمه را قادر هستند به وجود آورند بر مبنای رسیدن بر حقانیت قرآن منطق گفت و گو را مطرح می‌کند.

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۱

ترجمه: و اگر شما را شک است در قرآن که ما بر محمد ﷺ نازل کردیم پس بیاورید یک سوره به مثل آن و بخوانید گواهان خود را به جز خدا اگر راست می‌گویید

بحثی که در این مقاله پی گرفته شده نقد نظریه انتخاب در باب امامت می‌باشد که تبیین این مساله متوقف بر بحث عمده در زمینه امامت خواهد بود که به اجمال به آن بحث اشاره می‌گردد. عمده سوال در باب امامت این است که امامت از اصول دین است یا فروع؟ که در پاسخ این سوال شیعه قائل شدند امامت به سان نبوت از اصول دین است؛ زیرا از نظر آنها امام مانند پیامبر باید از جانب خدا نصب شود. همان ادله که لزوم نبوت را با شرایط عصمت، علم و تنصیف اثبات می‌کنند همان ادله امامت را به اثبات می‌رساند. با وجود امام معصوم انتخاب رهبر جایگاه ندارد اما در مقابل اهل سنت مساله امامت را از فروع دین می‌دانند به عبارت دیگر امامت را از شاخه‌های نبوت دانسته‌اند به عنوان یک اصل اعتقادی مسلم معتقد نیستند. بنابراین قائل به انتخاب امام و رهبر در میان جامعه اسلامی شدند که اصل نظریه انتصابی و انتخابی در زمینه امامت مبتنی بر دو جهان بینی متضاد درباره امامت هستند. البته هر کدام از این دو نظریه، دلایل دارد که پس از طرح و بررسی دلایل نظریه انتخاب به نقد آنها اشاره می‌شود.

زمان پیدایش این دو نظریه در باب امامت امت اسلامی به تاریخ بعد از ارتحال پیامبر ﷺ منتهی می‌گردد که با رحلت آن حضرت باب وحی مسدود و نبوت خاتمه می‌یابد و از سوی جامعه اسلامی نیاز به رهبر و پیشوا دارند تا وظایف رسالت را در قالب امامت عهده

دار باشد و استمرار چنین رسالت عظیم و بزرگ، شرایطی مانند علم و عصمت را لازم دارد که به غیر از امام معصوم آن شرایط در انسان‌های دیگر پیدا نمی‌شود. به همین دلیل بر حقانیت و آسمانی بودن نظریه انتصاب تاکید شده پس برای نظریه انتخاب، موضوعیت باقی نخواهد بود تا از سلامت و حقانیت آن بحث گردد؛ زیرا ادله نظریه انتصاب بر نظریه انتخاب وارد است.

امامت در لغت و اصطلاح

در لغت امام به معنی مطلق پیشوا به کار رفته است. الامام: الموتم به، انساناً کان یقتدی بقوله او بفعله او کتاباً محققاً کان او مبطلاً.^۱ احمد بن فارس هم می‌گوید: الامام: کل من اقتدی به و قدم فی الامور، و النبی ﷺ امام الامة، و الخلیفه امام الرعیه و القرآن امام المسلمین.^۲

اما امامت در اصطلاح متکلمان با رویکرد انتخابی و انتصابی بودن امامت، تعریف شده است. «ر هی ریاست عامه فی امور الدین و الدنیا بالاصاله»^۳ در تعریف دیگر از علما چنین آمده است: «ان الامة القائمین مقام الانبیاء فی تفیذ الاحکام و اقامه الحدود و حفظ الشرایع و تادیب الاتام معصومون کمصمه الانبیاء»^۴ در این تعریف‌ها که انتساب به متکلمین شیعه دارند نظریه انتصابی بودن امامت به سهولت مشاهده می‌گردد. اما در تعریف اکثر دانشمندان اهل سنت، نظریه انتخابی بودن امامت نهفته است.

«هی ریاست عامه فی امر الدین و الدنیا خلافته عن النبی ﷺ و احکامه فی الفروع»^۵
در قرآن کریم امام به معنی پیشوای دسته و گروهی آمده است، خواه آن امام بر حق باشد یا بر باطل که از باب نمونه به آیات زیر اشاره می‌شود.

«یَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»^۶

ترجمه: ای رسول ما به یاد آر روزی را که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان دعوت می‌کنیم.

«وَجَعَلْنَاهُمْ اُمَّةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا وَاَوْحَيْنَا اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»^۷

ترجمه: آنان را پیشوایان مردم قرار دادیم تا خلق را به امر هدایت کنند و هر کار نیکو را به آنها وحی کردیم.

«فَقَاتِلُوا اُمَّةً اَلْكَفَرِ اِنَّهُمْ لَا اِيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَشْعُرُونَ»^۸

ترجمه: با پیشوایان کفر و ضلالت پیکار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست. با توجه به مفهوم امامت در قرآن و تعریف‌هایی که دانشمندان از امامت براساس مبانی اعتقادی شان ارائه داده‌اند دو نظریه در باب امامت به دست می‌آیند. یکی امامت را از اصول اعتقادی انگاشته، معتقدند که امامت منصب آسمانی است باید با نص تعیین گردد. اما در مقابل دیدگاهی هست که امامت را منصب زمینی پنداشته و وظایف امام را خلاصه کرده به حکومت و اداره اجتماع و قائل هستند که امامت از فروع دین است و حق مردم می‌باشد که برای خود زعیم و رهبر انتخاب کنند.

نظریه دیدگاه انتصاب

وجود امام در جامعه در این نظریه از بدیهیات حکم عقل می‌باشد و حکم عقل اختصاص به زمان ندارد، عام است. بنابراین در هر زمان مردم باید امام و رهبر داشته باشند نکته ای که در تعریف نظریه انتصاب نهفته بود این است که رهبر جامعه عقلاً واجب است به دلیل این که هدف از خلقت انسان‌ها هدایت آنها می‌باشد، اگر امام در جامعه نباشد نقض غرض حاصل می‌شود. نقض غرض در فعل حکیم متعال معنی ندارد.

اگر از وجود امام در میان جامعه، لطف تعبیر شده برای این بوده که همان گونه که لطف، انسان را به معنویت نزدیک و از معاصی دور می‌سازد نقش امام در هدایت جامعه رساندن مردم به سعادت و جلوگیری از گمراهی است. از این رو می‌توان گفت که به همان دلیل که نبوت پیامبران برای هدایت جامعه از سوی خدا لطف بوده است، امامت امامان برای جانشینی پیامبران و نصب آنها برای هدایت جامعه از باب مقتضای حکمت بر خداوند حکیم واجب است.

طبق این رویکرد، رهبری جامعه بعد از پیامبر ﷺ انتصابی است. مردم در نصب امام حق اعمال نظر ندارند؛ زیرا مردم علم به مصالح و مفاسد احکام و سرنوشت خود ندارند. پس نمی‌تواند امام را مردم گزینش کند.

علاوه براین، مقام امامت، استمرار رسالت است. تمام شئون که پیامبر داشت به استثنای وحی، امامت آنها را دارد، چون عهده دار هدایت و رهبری برترین امت‌ها یعنی مسلمان‌ها می‌باشد لذا رهبر جامعه باید شخصی باشد که از ویژگی‌های عالی برخوردار باشد مانند: دانش، شجاعت، صبر، طهارت، تقوی و لیاقت؛ زیرا امام از حیث درجه کمال وجودی در بالاترین جایگاه قرار دارد تا شریعت پیامبر ﷺ را از هر گونه تحریف، حراست کند و به

اهدافی که پیامبر ﷺ برای آن مبعوث شده، امام جامه عمل بپوشاند. این تحلیل از امامت با منطق و خرد سازگار بوده و قرآن هم آن را تایید می‌کند. این تفکر انتصاب از امامت، مستندات قرآنی زیادی دارد که به برخی از آنها که در این زمینه مناسب است اشاره می‌گردد. از جمله مستندات قرآنی آیه‌ای است که امامت حضرت ابراهیم علیه السلام را تصویر می‌کند از آن دانسته می‌شود که جایگاه امامت، بالاترین منزلت است که ابراهیم علیه السلام بعد از امتحانات زیاد و مقام رسالت به آن منزلت دست پیدا کرد

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْتَهِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^{۱۱}

ترجمه: به یاد آر هنگامی که خداوند ابراهیم را به امور امتحان فرمود و او همه را بجا آورد و خداوند بدو گفت من تو را به پیشوای خلق برگزینم. ابراهیم عرض کرد این پیشوای را به فرزندان من نیز عطا فرمای. خداوند فرمود عهد من هرگز به مردم ستمکار نخواهد رسید.

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا غَابِرِينَ»^{۱۲}

ترجمه: آنان را پیشوای مردم ساختیم تا خلق را به امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو در خصوص اقامه نماز و اداء زکات را به آنها وحی کردیم و آنها هم به عبادت ما پرداختند.

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»^{۱۳}

ترجمه: برخی از آنها را امام و پیشوایانی که خلق را به امر ما هدایت کنند قرار دادیم برای آنکه در راه حق صبر کردند و در آیات ما مقام یقین یافتند.

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^{۱۴}

ترجمه: آنان که هنگام دعا با خدای خود گویند پروردگارا ما را از جفتمان فرزندان مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند و ما را پیشوایان اهل تقوا قرار ده. در این آیات نکاتی وجود دارد که با دیدگاه انتخاب در باب امامت، هم خوانی نمی‌کند و با توجه به این نکات، نظریه انتصاب درباره امامت با استواری استفاده می‌شود.

نظریه انتخاب

این دیدگاه از سوی متکلمان اهل سنت مطرح شده به این معنی که امامت مردم بعد از رحلت و خاتمیت پیامبر ﷺ انتخابش حق مردم است و مردم حق دارند براساس شورا رهبر

جامعه را گزینش نمایند. این تئوری اولین بار در سقیفه بنی ساعده تجربه شد که آثار سوء آن تا هنوز در کام مسلمان‌ها تلخی می‌کند. بنابراین نظریه انتخاب با چالش‌های زیاد رو به رو است که به آنها اشاره می‌گردد.

نقد و بررسی نظریه انتخاب

نخستین اشکال که این رویکرد به امامت جامعه اسلامی دارد این است که امامت را مقام آسمانی نمی‌داند و بر همین اساس که امامت منصب زمینی است طبعاً هیچ گونه شرایط در مقام امامت لحاظ نمی‌شود بنابراین هرکسی که مدعی امامت شد و با رای چند نفر از هم فکرائش مورد حمایت قرار گرفت، مسئولیت زعامت و رهبری جامعه را به عهده می‌گیرد تا بر مردم حکم براند.

نظریه انتخاب، مخالف نصوص قرآنی در باب امامت هستند برای این که مفهوم امامت نظیر نبوت بوده و دلیل اثبات امامت و نبوت یک چیز است؛ یعنی اصل نبوت و امامت باید به واسطه عقل ثابت شود و با وجود امام معصوم و منصوص در جامعه، موضوع برای انتخاب مردم باقی نمی‌ماند پس نظریه انتخاب با نص قرآنی مطرود می‌شود. به چندی از آیات که با نظریه انتخاب سازش ندارد اشاره می‌گردد.

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^{۱۵}

ترجمه: ای پیامبر آنچه از خدا بر تو نازل شده به خلق برسان و اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده ای.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُعِيشُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^{۱۶}

ترجمه: ولی شما تنها خدا و رسول و آن مومنان هستند که نماز به پا داشته و به فقیران در حال رکوع، زکات می‌دهند (به اتفاق مفسرین عامه و خاصه، مراد علی علیه السلام است).

از آیاتی که در باب امامت استدلال شده، واضح‌ترین آنها همین دو آیه شریفه می‌باشد که دلالت شان بسیار واضح و صریح است و برای اهل انصاف مخفی نیست که این دو آیه بر امامت علی علیه السلام تنزیل شده است. اما از باب این که امامان معصوم نور واحد و خصایص میان آنها مشترک است آیات انطباق بر امامت همه آنها دارد.

امامت ادامه دهنده مسئولیت‌های پیامبر ﷺ است و پیامبر گرامی اسلام در جامعه چندین مسئولیت را عملاً به عهده داشته‌اند و آنها از آیات قرآنی استفاده می‌شود؛ امامت عهده دار همان مسئولیت‌هاست. در صورتی که اگر قائل به نظریه انتخاب باشیم هیچ یک از این شئون برای رهبری منتخب مردم ثابت نمی‌شود.

الف) ابلاغ وحی به مردم به دلیل مویب بودن پیامبر به روح القدس و برخورداری از مقام عصمت. قرآن هم مردم را به پذیرش امر و نهی صاحب رسالت سفارش کرده است. «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^{۱۷}

ترجمه: آنچه رسول دستور می‌دهد بگیرید و هر چه را نهی می‌کند واگذارید، از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است.

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ - إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^{۱۸}

ترجمه: هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید. سخن او غیر وحی خدا نیست.

ب) دیگر از شئون پیامبر حکومت است که برای تشکیل حکومت مبعوث شده؛ بعد از هجرت وقتی زمینه فراهم شد حکومت اسلامی را پایه‌گذاری کرد؛ زیرا بدون وجود حکومت، زندگی مردم سامان پیدا نخواهد کرد و احکام خدا در سایه حکومت احیاء می‌گردد و خداوند هم تبعیت از صاحبان امر و حکومت الهی را واجب قرار داده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا الْأَمْرَ مِنْكُمْ»^{۱۹}

ترجمه: ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید.

قضاوت، از شئون دیگر رسول اکرم ﷺ است. آن حضرت حسب وظیفه، منازعات مردم را حل و فصل می‌کرد و مردم موظف بودند در اختلافات حقوقی شان همانگونه که برای حل مسائل اعتقادی به آن حضرت مراجعه می‌کنند در مسائل حقوقی هم مراجعه کنند و او را داور قرار می‌دادند. تاریخ زندگی پیامبر نشان می‌دهد آن حضرت براساس کتاب خدا و بینش معتبر در میان مردم قضاوت می‌کرد. بعد از آن حضرت جز امامان معصوم ﷺ دیگر انسان‌های عادی قدرت ندارند چنین مسئولیت‌هایی را اداء نمایند. لغزش‌ها و اعترافات خلفا بر اشتباه خودشان که به رای و گزینش مردم به وجود آمده بودند خود دلیلی است که امامت جامعه از آن‌ها خاندان رسالت بوده و نظریه انتصاب حقانیتش کاملاً روشن می‌گردد. در نظریه انتخاب، مخالفت قرآنی وجود دارد.

۴) دیگر از چالش‌های جدی نظریه انتخاب، ناسازگاری با بخش عظیم از سنت قطعی رسول الله است که رسول خدا در بخش عظیمی از احادیث رهبری جامعه اسلامی را مساله آسمانی مطرح کرده تا اینکه ریشه انتخاب در مساله امامت نفی گردد. بنابراین به چند حدیث در این زمینه اشاره می‌شود.

الف) «لنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداً حتی یردا علی الحوض»^{۲۰}

این حدیث در واقع متعدد از رسول اکرم ﷺ نقل شده است از جمله در زمان مرگ، این حدیث بیان شد و دو مطلب عمده از این دو حدیث قابل توجه است.

قرآن و عترت تا روز قیامت، رهبر و مرجع هدایت بشر است.

این دو مکمل یکدیگر هستند به این معنی که عترت تبیین کننده قرآن و قرآن بیان کننده جایگاه عترت برای مردم است که در نتیجه، عصمت برای عترت نقطه اتصال آنها را با قرآن نشان می‌دهد. این ویژگی فقط برای پیامبران الهی که موقعیت رهبر و مرجعیت بشر را دارند محرز و مسلم بوده است.

ب) «مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها هلك»^{۲۱}

ترجمه: مثل اهل بیت در میان امت، مانند نقش کشتی نوح است برای نجات انسان‌ها از هلاکت.

تشبیه نقش اهل بیت ﷺ در هدایت امت به کشتی نوح که باعث نجات آنها گردیدند تشبیه بسیار دقیقی است. محوریت اهل بیت مردم را از هلاکت نجات می‌دهد.

ج) «النجوم امان لاهل الارض من الفرق، و اهل بیتی امان لامتی من الاختلاف، فاذا خالفتها قبیلته من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابلیس»^{۲۲}

ترجمه: همانگونه که ستارگان باعث حفظ اهل زمین از غرق شدن است، اهل بیت باعث نجات مردم از تفرقه می‌باشد و هر قبیله‌ای که محوریت اهل بیت مخالفت باشد در حزب ابلیس قرار می‌گیرد.

با وجود نصوص قرآنی بر نصب امام و رهبر جامعه و روایت‌های متواتر در زمینه اتقان و استواری تعیین اما جامعه از جانب خدای متعال جای بسیار تعجب است که مردم حق تعیین رهبری را در عرض حکم خدا داشته باشند.

در صحیح مسلم از جابر نقل شده است: «سمعت رسول الله ﷺ يقول لا يزال الاسلام عزيزاً الى اثنا عشر خليفه ثم قال كلمه لم افهمها فقلت: لابي ما قال؟ فقال ﷺ كلهم من قريش»^{۲۳}

در این حدیث، عزت اسلام با وجود ائمه اثنا عشر گره خورده و معیار اثنا عشری با نظریه انتخاب مطابقت ندارد؛ البته که برای تطبیق این معیار اثنا عشری با خلفایی که با قهر و غلبه یا به نص خلیفه زمینی به وجود آمدند توجیه‌های زیادی صورت گرفته است، که غیر قابل پذیرش می‌باشند.

۷ وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام صریحاً نظریه انتخاب را در امر امامت جامعه نامشروع خواند و وقتی خبر به آن حضرت رسید که انصار و قریش در سقیفه اجتماع کردند برای خلافت و رهبری جامعه پس از رسول خدا، حضرت از منطلق انصار درباره امامت سوال کرد:

«ما قالت الانصار؟ قالوا: قالت منا امير و منكم امير»

منطق انصار در تعیین رهبری این بود که رهبری از قریش و رهبر دیگر از انصار باشد پس حضرت امیر علیه السلام از منطلق قریش پرسیدند:

«فماذا قالت قريش؟ قالوا: احتجت بانها شجرة رسول الله ﷺ فقال علیه السلام: احتجوا يا الشجرة و اضاعوا الشجرة»^{۲۴}

دلیل آوردند که درخت خلافت را بردند اما خاندان رسالت که میوه‌اند تباه کردند در خطبه دیگر معروف به شمشقیه، امیر المؤمنین علیه السلام وقتی به مقام خلافت ظاهری می‌رسند شدیداً از نظریه انتخاب انتقاد می‌کند و خود را صاحب حق امامت جامعه مطرح می‌کند و از ظلم‌ها و مصائب که در بیست و پنج سال برای آن حضرت تحمیل شدند، در این خطبه بازگو شده است.

«اما و الله لقد تمصها فلان و انه ليعلم ان محلي منها محل القطب من الرحتى ينحدر عنى اسيل و لا يرتقى الى الطير... فرأيت ان الصبر على هاتأ أحجى فصبرت و فى العين قذى و فى السيل الحلق شجا ارى تراثى نهياً»^{۲۵}

هان! به خدا جامعه خلافت را پوشید و می‌دانست خلافت جز مرا نشاید که آسیا سنگ تنها کرد استوانه بر گردش درآید و کوه بلند را منم که سیلاب از ستیغ من ریزان و مرغ از

سال سوم / شماره یازدهم / پاییز ۸۸
۸۶

پریدن به قله ام گریزان است؛ چون نیک سنجیده ام و شکیبایی را خردمندانه تر دیدم به صبر گراییدم در حالی که دیده از خار غم خسته بود و آوا در گلو شکسته، میراثم را به غارت برده بودند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این خطبه از نظریه انتخاب به شدت نکوهش و بر حقانیت نظریه انتصاب استدلال فرموده است؛ زیرا خلافت انتخابی را غاصبانه می‌داند و از رهبری جامعه به عنوان میراث خود یاد می‌کند این همان حقیقت مطلب در باب امامت است که قرآن کریم مطرح کرده و رسول خدا صلی الله علیه و آله به طور مکرر مردم را به آن سفارش کرده‌اند.

ع در منطق نظریه انتخاب، امامت محدود شده به زعامت بر مردم در حالی که در منطق قرآن و سنت قطعی که مستند نظریه انتصاب است، حکومت شاخه‌ای از شاخه‌های امامت می‌باشد. اگر مساله امامت گسترش فقط در زعامت بر مردم بود لزوم نداشت که امام جامعه افضل و لایق تر از افراد زمانش باشد بلکه افضلیت نسبی کافی بود. بنابراین مساله امامت فراتر از حکومت و رهبری مردم در امور اجتماعی است که در واقع بر مبنای جانشینی و مرجعیت دینی از این بالاتر هم اگر تعبیر کنیم به معنی انسان کامل که قوام زمین و زمان را ضمانت بخشیده مطرح کرده است.

«لو لا حجة لساخت الارض باهلها»^{۲۶}

ترجمه: اگر حجت خدا در زمین نباشد زمین اهلس را نابود می‌کند.

براساس نظریه انتخاب، امامت مساوی با حکومت و شأن امام همان حکومت است. این نظریه بطلانش واضح است؛ زیرا با وجود نص بر امامت، نوبت به اجتهاد و با وجود معصوم، نوبت به غیر معصوم نمی‌رسد و با تعیین امام جامعه دیگر انتخاب مردم امام را دلیل ندارد و زمین براساس قاعده عقلی و نقلی از حجت خدا که انسان کامل باشد هیچ زمان خالی نخواهد بود. وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام به این حقیقت اشاره فرموده است:

«اللهم بلى لا تخلو الارض من قائم لله بحجة اما ظاهراً مشهوراً و اما خائفاً مغموراً لتلام

تبطل حجج الله و بيناته»^{۲۷}

طبق حدیث، امام قطب عالم هستی است اگر در دنیا دو نفر باقی باشد یکی بر دیگر حجت است؛ زیرا اولین انسان که در دنیا پیدا شد امام بود و آخرین انسان هم امام است. این اهمیت نشان می‌دهد که امامت در متن زندگی مردم قرار دارد. امام، محور حل اختلافات مردم است و مردم در طفیل وجود امام زندگی می‌کنند. امام برای این نیست که میان مردم

نقد نظریه انتخاب درباره امامت و رهبری

حکومت کند و مردم او را امام قرار دهند بلکه جایگاه امام فراتر از حکومت میان مردم است. حکومت از فواید تبعی امامت می‌باشد.

۷- تئوری انتخاب امامت و رهبری که در سقیفه پدید آمد و نظریه انتخاب به کرسی نشست. این تئوری در عمل از سوی خود مدعیان نظریه انتخاب، نقض شد، فقط در مدت کوتاه دسته‌ای اندک از صحابه با رای خودشان خلیفه مسلمین را برگزید و بعد از رحلت خلیفه اول مسلمین، نظریه گزینش امام و رهبر، جنبه‌ی انتصاب و تعیین از سوی رهبر پیشین به خود گرفت که در مرحله سوم باز هم تعیین خلیفه رویکرد انتخابی خود را از دست داده بود و فقط شورای شش نفره، خلیفه سوم را به مردم ابلاغ کرد که این شورا توسط خلیفه دوم برای تعیین رهبری جامعه منصوب شده بودند.

آیه الله مکارم نقض تئوری انتخاب را در باب خلافت مسلمین از سوی مدعیان نظریه انتخاب، خلاف مبنای خود آنها می‌داند و استدلال می‌کند که در جامعه آن روز با وجود امام معصوم، پایین بودن سطح آگاهی افراد جامعه و محدودیت قلمروی زندگی مسلمان‌ها و قدرت حاکمه کفار و مشرکین، نظریه انتخاب، ضربه مهلک بر مسلمین و اسلام وارد کرد.^{۲۸}

از این گذشته، خلیفه دوم برنامه‌ریزی کرد تا شورای شش نفره را مرکب از عبد الرحمن بن عوف، سعید بن وقاص، طلحه بن عبدالله، زبیر بن عوام، عثمان بن عفان و علی بن ابیطالب تشکیل دهند تا خلیفه را انتخاب کند. امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به حاضران فرمود: «لقد علمتم انی احق الناس بها من غیری»^{۲۹}

این شیوه نشان می‌دهد که شایستگی و لیاقت هم حتی در تعیین رهبری جامعه معیار نیست که خود را دلیل بر عدم کارایی این سیستم در ایجاد رهبریت خواهد بود.

۸- در نظریه انتخاب، مخالفت با حکم ضروری عقل شده است. عقل و عقلائی جهان تقدیم مفضول را بر فاضل تقبیح می‌کنند. به تعبیر قرآن آن که هدایت شده است برای هدایت و رهبری مردم مقدم است از آن کس که نیاز به هدایت دارد یا در گمراهی قرار دارد. پس تقدیم آنان که نمی‌دانند بر آنهایی که علم و دانش لازم دارد برای رهبری جامعه شایستگی دارد، مخالف قرآن است.

«فمن یندی الی الحق احق ان یتبع امن لا یندی الا ان یندی فما لکم کیف تحکمون»^{۳۰}

ترجمه: آیا آنکه خلق را به راه حق رهبری می‌کند سزاوارتر به پیروی است یا آن که نمی‌کند مگر آن که خود هدایت شود. پس شما مشرکان چگونه قضاوت باطل می‌کنید؟ در آیه دیگر با سوال، این حقیقت را تصویر می‌کند که آگاهان جامعه باید زمام دار جامعه و مدیر جامعه باشند.

«قل هل ینتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون انما ینتذکر اولوالالباب»^{۳۱}

ترجمه: بگو ای رسول آنان که اهل علم و دانش هستند با مردم جاهل و نادان یکسانند، فقط خردمندان عالم متذکر این مطلب اند.

با توجه به این که نظریه انتخاب، مخالف حکم عقل و آیات قرآنی است، مخالف با سیره و روش سیاسی و اجتماعی رسول خدا هم می‌باشد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در مسایل سیاسی و اجتماعی، معیار، لیاقت و فضیلت افراد را قرار می‌داد از جمله در جنگ خیبر فرمود: پرچم اسلام را فردا به دست کسی می‌دهم که خدا و رسول را دوست دارند. خدا و رسول هم او را دوست می‌دارد (اشاره به وجود مقدس حضرت علی علیه السلام). بنابراین اگر امامت فقط همان پیشوای جامعه باشد مبتنی بر نظریه انتخاب مطرود قرآن و حکم عقل است، قرآن مقام امامت را مانند مقام رسالت آسمانی می‌داند.

«الله اعلم حیث یجعل رسالته»^{۳۲}

ترجمه: خدا بهتر می‌داند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد.

در امامت، جز وحی، همه شئون رسالت وجود دارد و با همان دلیل اثبات نبوت، امامت اثبات می‌شود.

۹- عدم وجوب اطاعت رهبر در نظریه انتخاب از دیگر چالش‌ها می‌باشد. برای اینکه مدعی نظریه انتخاب در باب امامت این است که عصمت از شرایط امام جامعه نیست و لازم نیست امام و پیشوای جامعه معصوم باشد و این نگاه به امامت خود ثابت می‌کند که نصب امامت یک منصب زمینی باشد فقط امام و پیشوای مردم نقش سمبولیک دارد؛ چون عصمت ندارد حکمشان نافذ نیست؛ از ضمانت لازم برخوردار نبوده و چنین افراد غیر معصوم اگر جای معصوم قرار بگیرند غاصب‌اند. در نتیجه عدم عصمت باعث سقوط حاکمیت رهبر در عرصه‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، فقهی، سیاسی و اجتماعی می‌شود؛ زیرا رهبری که معصوم نیست در اثر حب، بغض، نسیان و احساسات نفسانی در جامعه حکومت می‌کند و در اثر حکومت او حقوق افراد جامعه پایمال می‌گردد و هیچ کس به حق خودش دست پیدا

نمی‌کند تنها معصوم است که حکم به عدل و حق می‌کند قرآن کریم حکم به حق را خطاب به داوود علیه السلام می‌فرماید:

«یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لاتتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله»^{۳۳}

ترجمه: ای داوود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم تا میان خلق خدا به حق حکم کنی و هرگز هوی نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه می‌سازد.

پیامدهای تلخ نظریه انتخاب

در نظریه انتخاب، میان دو دلیل و راهنمای بشریت یعنی قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام جدایی واقع شده است. قرآن به تنهایی محور استناد و گفتگو توسط مدعیان نظریه انتخاب میان مردم معرفی شده است. به عبارت «حسینا کتاب الله» در حالی که قرآن صامت بدون قرآن ناطق برای مردم قابل بهره برداری نیست؛ چون اهل بیت علیهم السلام است که معارف قرآنی را برای مردم بازگو می‌کنند که در نتیجه تعدد مذاهب و قرائت‌های متعدد از اسلام و به وجود آمدن فرقه‌های ضاله در دامه اسلام، انعکاس نظریه انتخاب در باب امامت هستند روی این جهت با قاطعیت می‌شود گفت که سکولاریسم مذهبی و دیدگاه جدایی دین از سیاست از روزهای سقیفه بنی ساعده زاییده شد که در بستر زمان با شیوه‌های مختلف و در قالب جریان‌ها و حکومت‌های دموکراتیک و گاهی حکومت مردم بر مردم در نقطه مقابل سیاست و حاکمیت الهی قرار گرفته است.

در نظریه انتخاب، مردم حق ندارند ارتباط با اهل بیت داشته باشند. دروازه اهل بیت علیهم السلام بر روی مردم بر مبنای این رویکرد بسته است، قیاس و استحسان، مصالح مرسله، سد زرایع در مسایل فقهی و حکومتی، مبنای عملکرد انسان‌ها قرار می‌گیرد و مع الاسف بدعت به نام تحریم ازدواج موقت و حج تمتع در جامعه اسلامی نطفه‌اش منعقد می‌شود تا روزگار دیگر این نطفه نامشروع به رشد خود می‌رسد و دامنه گستاخی‌ها آن قدر گسترش پیدا می‌کند که به حریم وحی دست برد زده می‌شود، فرازی از اذان که «حی علی خیر العمل» باشد از نماز حذف می‌شود، در صورتی که اذان، حقیقت و خیانی دارد. گفتن اذان در اوایل هجرت برای پیامبر از سوی جبرئیل آقا می‌شود. دست به تحریف اصول مسلم بردن یا منطق مصلحت‌گرایی در جای قانون محوری، باعث شد که مردم سیره و روش رسول خدا را فراموش کنند یا

این که درباره مساله امامت، آیات ولایت را منکر شده که در نتیجه، این رویکرد مستلزم تفسیر به رأی آیات امامت خواهد بود.^{۳۴}

نظریه انتخاب از متن شورا به وجود آمد. پیش زمینه انتخاب رهبری در سقیفه شورا بود که مدعیان نظریه انتخاب رنگ قرآنی هم به آن می‌دادند که در واقع شورا مبنای قرآنی و عملی در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را دارد و یک اصل مسلم اجتماعی در میان مسلمان‌ها است. آیات و روایات در این زمینه فراوان هستند و اما از سویی هم هیچ دلیل بر کتمان نص قرآنی و سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر وصایت و رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام وجود ندارد و نصوص که دلالت به رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام دارد به دلایل زیاد بر اصل شورا در این جا از باب حکومت مقدم است. انتخاب رهبری در سقیفه بنی ساعده در واقع شورا و دموکراسی را در اسلام برای همیشه نابود کرد. با عملکردهای پیشگامان شورا، حکومت سلطنتی در میان مسلمان‌ها زنده شد!

لازم است که بگوییم اگر انتخاب رهبری یا شورا در امور تعیین رهبری بایسته بود، قطعاً رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این مهم توصیه می‌کرد و اگر هم سفارش نمی‌کرد رهبری انتصابی را مطرح نمی‌کرد. از این که وجود رسول اکرم صلی الله علیه و آله براساس آیه اکمال و تبلیغ در غدیر خم به منصب امامت پرداخت، خود دلیل بر عدم مشروعیت دیدگاه انتخاب در باب امامت می‌باشد.

۴- منع تدوین احادیث که دومین سند معتبر پس از قرآن است از آثار تلخ دیگر نظریه انتخاب می‌باشد که جلوگیری از کتابت و نقل حدیث، مشکلات زیادی را برای مسلمانان پدید آورده است. این ممنوعیت حدیث که تا عهد خلیفه اموی، عمر بن عبدالعزیز به صورت جدی تعقیب می‌شد تا عصر خلافت منصور عباسی به صورت کم رنگ باقی ماند. اخبار و روایات صحیح رسول گرامی اسلام از اذهان و اندیشه‌ها محو گردید. مصیبت جعل حدیث، معلول فقدان جوامع حدیثی بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که آیه الله سبحانی در این زمینه می‌گوید: اگر تدوین حدیث باعث به کنار گذاشتن قرآن می‌شد، چرا رسول گرامی اسلام در حیات خود دستور نوشتن آثار خود را صادر کرد و اسناد فراوان در مدارک حدیثی مضبوط است که حاکی از اهمیت ضبط نامه‌های آن حضرت به سران قبایل می‌باشد.^{۳۵}

باید گفت که همه این ناهنجاری‌ها که در اثر منع تدوین حدیث در قلمرو اسلام پدید آمد برای این که مصلحت‌گرایی و نظریه شخصی بر نص‌گرایی و نظریه وحیانی مقدم شدند. بنابراین امامت فقط در شئون حکومت خلاصه نمی‌شود و یک مقام قرار دادی است که باید از سوی خدا جعل شود و مردم در جعل امامت و مشروعیت آن نقش ندارند به همین دلیل نظریه

انتخاب رهبر جامعه از سوی مردم، پیامدهای تلخی را به دنبال دارد که در نظریه انتصاب، این لوازم تلخ وجود ندارد.

جایگاه امامت در نظریه انتصاب

اصل اولیه بر حاکمیت انسان و جهان از آن خدا است. حاکمیت فرد از انسان بر انسان‌های دیگر توقف بر دلیل دارد بدون دلیل، حاکمیت هیچ انسان بر مردم مشروعیت ندارد. براساس این مبانی، حاکمیت پیامبران به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله با دلیل برای جامعه به اثبات رسیده است. پس از خاتمیت و انقضای عمر پیامبر این مسأله (رهبری) است در حوزه امامت مطرح می‌شود. بنابراین بشر هیچ گاه بی نیاز از رهبری معصوم نیست اگر چه عقل در متون دینی به عنوان محبوب‌ترین حجت و مخلوق معرفی شده اما عقل بدون شریعت و رهبر آگاه به شریعت، کارایی لازم را در جزئیات و غیر مستقالات عقلیه نخواهد داشت که در این صورت نیاز به رهبری معصوم که دست عقل را بگیرد به طور جدی احساس می‌گردد. البته با توجه به مبانی لزوم بعثت پیامبران در جامعه برای هدایت انسان‌ها اصل نیاز جامعه به وجود رهبر در متن تعالیم اسلامی قرار دارد و اثبات آن اصل به قانون عقل است. دلایل نقلی در این باب ارشاد به حکم عقل می‌باشد و از منظر نظریه انتصاب مبانی امامت و رهبری جامعه اسلامی در عصر حضور ائمه علیهم السلام که متخذ از قرآن، روایت و عقل می‌باشد، به این شرح است:

امامت، عهدی الهی است که از سوی خداوند به افرادی که شایستگی آن را داشته باشد اعطاء می‌شود و این نصب و گزینش توسط پیامبر خدا به مردم اعلام می‌گردد. بارزترین شرایط امامت، عصمت و اعلمیت علم او از همگان یعنی افراد زمانش است؛ زیرا همه مردم به هدایت و علم امام احتیاج دارند. اما امام از نظر علمی و عصمت به مردم احتیاج ندارد.

زمین هرگز بدون حجت باقی نخواهد ماند و هر کس امام زمان خود را نشناسد و از دنیا برود به مرگ جاهلیت مرده است.

تعداد امامان به نص قطعی از پیامبر دوازده نفر هستند نه کمتر نه بیشتر. حدیث اثنا عشر که قبلاً ذکر شد یکی از احادیث است که تعداد امامان را بیان کرده است و در برخی احادیث آمده اول آنها علی علیه السلام و آخر آنها مهدی (عج) می‌باشد.

دوازده امام همه از اهل بیت پیامبر و بر حسب دلالت حدیث متواتر ثقلین در ردیف و عدل قرآن هستند و هرگز از قرآن جدا نخواهند شد. امامان به غیر از نبوت و دریافت وحی همه مناصب و شئون دینی و حکومتی که پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، دارا هستند.

اسامی، اوصاف و ترتیب امامت ائمه علیهم السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله پیش بینی شده است. علاوه بر آن هر امامی امام بعد از خود را بر امامت جامعه معرفی کرده است. آیه الله صافی گلپایگانی می‌فرماید: مبانی امامت که کاملاً قرآنی هستند با پرهان عقلی، قرآنی و سنت قطعی قابل اثبات است.^{۳۶}

احادیث فراوانی در باب امامت وجود دارد که بیانگر صویتی بودن امام در جامعه اسلامی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد که از جمله به حدیثی از امام هشتم استناد می‌شود:

«ان الامامه هی منزله الانبیاء وارث الاوصیاء الامامه خلافت الله و خلافت رسول صلی الله علیه و آله و مقام امیر المؤمنین علیه السلام و میراث الحسن و الحسین علیهم السلام ان الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین ان الامامه اسس الاسلام النامی و فرعه الساعی، بالامام تمام الصلوه و الزکاه و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر الفیء و الصدقات و امضاء الحدود و الاحکام و منع الثنور و الاطراف الامام یحل حلال الله و یحرم حرام الله و یتقیم حدود الله و یتذب عن دین الله و یدعوا الی سبیل ربه بالحکمه و الموعظه الحسنه و الحجج البالغه»^{۳۷}

ترجمه: امامت مقام انبیاء، وارث اوصیاء است. امامت خلافت از طرف خدا و رسول خدا و امیرالمؤمنین و میراث حسن و حسین است. امامت زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است. امامت بنیاد پاک اسلام و شاخه با برکت آن است. به وسیله امامت نماز، روزه، زکات، حج و جهاد درست می‌شوند، غنیمت و صدقات بسیار می‌گردد، حدود احکام اجرا می‌شود، مرزها و نواحی کشورها مصون می‌شود. امام حلال و حرام خدا را بیان می‌کند و حدود خدا را برپا می‌دارد و از دین خدا دفاع می‌کند. با حکمت و پند نیک و دلیل رسا به راه خدا دعوت می‌کند.

با تصویری که از امامت در حدیث امام هشتم شده چنین استفاده می‌شود که امام کارشناس دین و محافظت کننده از دین و هر مقامی که انبیا دارند به استثنای وحی و نبوت که از مختصات پیامبران هستند بقیه شئون رهبری را دارا می‌باشند.

جمع بندی و نتیجه

با توجه به ویژگی هایی که برای امام مطرح است باید گفت که امامت جانشینی رسالت می باشد و باید از سوی خدا نصب گردد. اجماع و انتخاب مردم در این زمینه نقشی ندارد برای این که مردم از ویژگی ها و صفاتی که برای امام باید باشد اطلاع ندارند و بنابراین قادر نیستند که درباره امامت نظر نافذ داشته باشند، پس راه برای تعیین امام، همان نصب الهی است که این نصب از سه طریق اثبات می شود.

پیامبر یا امام معصوم پیشین، جانشین خود را به فرمان الهی مشخص نموده برای مردم اعلام و معرفی می کند که در واقع پیامبر ﷺ و امام معصوم پیشین در این زمینه نقش واسطه فرمان خدا به مردم را دارند.

مقام امامت که رهبری به تمام شئون زندگی مردم باشد توأم با معجزه است همانگونه که اثبات نبوت در برابر منکرین نبوت با معجزه بود. امام هم معجزه برای اثبات مدعی شان باید داشته باشد. در مواردی لازم است که امام از افعال خارق العاده که از توان بشر عادی خارج است نشان دهد تا دلیل بر امامت او باشد که این دلیل همراه با تحدی علیه آنهاست که امامت امام را قبول ندارند تحقق پیدا کند که به طور یقین قدرت چنین کار خارق العاده از سوی خدا به امام معصوم عطا شده نه به مدعیان دروغین امامت زیرا که با حکمت و علم الهی اعطای قدرت معجزه به مدعیان کاذب، سازگار نیست.

از راه قراین و دلایل که دلالت بر لیاقت و توانایی امام بر انجام افعال خارق العاده می کند و انسانی که برخوردار از علم غیب، عصمت، امانت داری، حلم، صبر و همه کمالات انسانی را به اعلی مراتب شان دارد، به حکم عقل مقدم بر آنهاست که هیچ یک از کمالات انسانی را ندارد. از همه این ها که بگذریم برای معرفی امامت و پیشوای مسلمین، غدیر خم و امثال آن تشکیل شد.

اما مخالفان در درجه اول خلافت نص را منکر شدند و شعار مردم سالاری دادند نه مردم سالاری دینی و گفتند امامت به عصمت و نص کار ندارد، امامت را محدود و زمینی کردند تا این که خود بتوانند در جایگاه امامت قرار گیرند که سرانجام هم چنین شد و این روش دیر نگذشت که افتضاح شان آشکار شد و مردم بیعت از دوران خلافت عثمان متوجه شدند که نصب امامت حق است با کودتای پیش از قتل خلیفه، زمینه حاکمیت و تحقق خلافت انتصابی به وجود آمد و مردم در زمان کوتاه خلافت انتصابی در فضای برابری و عدالت، نفس راحت کشیدند مرحوم مطهری در بحث امامت می گویند:

پیامبر

سال سوم / شماره یازدهم / پاییز ۸۸

۹۴

با بعثت پیامبر ﷺ رسالت تمام شد اما مساله حجت و انسان کامل. که اولین انسان روی زمین، حجت خدا بود و آخرین انسان هم حجت حق است هرگز میان بشر پایان نیافته است. ایشان می فرماید: عرفایی از اهل سنت براساس گرایش عرفانی با شیعه در باب امامت عقیده یکسان دارند که زمین هیچگاه از حجت الهی خالی نیست از جمله محی الدین عربی اندلسی مدعی شده که حجت ابن الحسن را زیارت کرده است.^{۳۸}

بنابراین امامت، کمال دین و اتمام نعمت است. اسلام منتهای امامت مرده و اسلام منتهای مدیر اجتماعی و رهبر روح ندارد. دینی که امامت در راس هدایت مردم نباشد آن دین قادر نیست که به نیازهای مردم پاسخ دهد؛ زیرا دین را امامت تفسیر و تبیین می کند.

□□

پی نوشت ها:

- ۱- سوره نحل، آیه ۱۲۵
- ۲- سوره بقره، آیه ۲۳ -
- ۳- راغب، اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ناشر: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۴، صفحه ۸۷
- ۴- احمد بن فارس، بن زکریا، معیاس اللغة، جلد ۱، تحقیق و ضبط: عبد اسلام محمد هارون، ناشر: مرکز نشر مکتب الاعلام اسلامی، تاریخ نشر: ۱۴۰۲ هجری، صفحه ۲۸
- ۵- علی ابن میثم، بحرانی، قواعد الگرام، فی علم کلام، قم، طبعه الاولی، مطبعه مهر، ۱۳۹۸ هجری، صفحه ۱۷۴
- ۶- محمد بن نعمان، مفیده اوائل المغالات، منشورات مکتبه الدواری، قم: الطبعه الثانيه، ۱۳۷۱، صفحه ۲۰۲
- ۷- سعد الدین، تفتازانی، شرح مقاصد، جلد ۲، طبع الاولی، ۱۴۰۹ هجری، ۱۹۸۹ م، صفحه ۲۲۲
- ۸- سوره اسراء، آیه ۷۱
- ۹- سوره انبیاء، آیه ۷۳
- ۱۰- سوره توبه، آیه ۱۲
- ۱۱- سوره بقره، آیه ۱۲۲
- ۱۲- سوره انبیاء، آیه ۷۳
- ۱۳- سوره سجده، آیه ۲۴
- ۱۴- سوره فرقان، آیه ۷۴
- ۱۵- سوره مائده، آیه ۶۷
- ۱۶- سوره مائده، آیه ۵۵
- ۱۷- سوره حشر، آیه ۷
- ۱۸- سوره نجم، آیه ۳-۲
- ۱۹- سوره نساء، آیه ۵۹
- ۲۰- قاضی نور الله، (تستری)، احقاق الحق، جلد ۹، صفحه ۳۰۹
- ۲۱- همان، صفحه ۲۷۱
- ۲۲- همان، صفحه ۲۹۴
- ۲۳- صحیح بخاری، جلد ۳، جزء ۹، چاپ بیروت، صفحه ۱۰۱
- ۲۴- نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، خطبه ۶۷، تهران، نشر اوزش انقلاب، ۱۳۷۲
- ۲۵- همان، خطبه ۳

مفید

سال سوم / شماره یازدهم / پاییز ۸۸

۹۶

- ۲۶- محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، جلد ۲، ترجمه و قرح از محمد باقر کمره ای، ناشر: انتشارات اسوه، ۱۳۷۲، صفحه ۵۲
- ۲۷- نهج البلاغه، ترجمه: شهیدی، حکمت، ۱۳۹
- ۲۸- ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، جلد ۹، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱، صفحه ۲۲
- ۲۹- نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۷۴
- ۳۰- سوره یونس، آیه ۳۵
- ۳۱- سوره زمر، آیه ۹
- ۳۲- سوره انعام، آیه ۱۲۲
- ۳۳- سوره ص، آیه ۲۶
- ۳۴- قدرت الله، مشایخی، رساله حقوق از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، ناشر: قم، انتشارات انصاریان، سال نشر ۱۳۸۵، صفحه ۳۹۲
- ۳۵- جعفر، سبحانی، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، جلد ۱-۲، ناشر: انتشارات توحید قم، ۱۳۷۸، صفحه ۸۲
- ۳۶- لطف الله، صالحی گلپایگانی، گفتمان مدیریت، تحقیق واحد تحقیقاتی مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲، صفحه ۱۸۲
- ۳۷- محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، جلد ۲، کتاب الحججه، ترجمه: آیه الله محمد باقر کمره ای، ناشر: انتشارات اسوه، تاریخ نشر: ۱۳۷۲، صفحه ۷۸
- ۳۸- مرتضی، مظهری، مجموعه آثار، جلد ۴، تهران، انتشارات صدرا، نشر ۱۳۷۷، صفحه ۹۲۲

مفید

نقد نظریه انتخاب درباره امامت و رهبری

۹۷